

## بررسی صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین الملل و حقوق جزای افغانستان

سید متین محسنی\*

### چکیده

برای اعمال صلاحیت محاکم کیفری هر کشوری، اصل سرزمینی اصل قابل قبول و مورد وفاق است؛ اما به دلیل اشکالاتی که این اصل با آن مواجه است، کشورها برای جبران آن به سمت صلاحیت‌های فراسرزمینی متمایل شده‌اند. این اصول فراسرزمینی عبارت‌اند از: اصل صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت جهانی قوانین کیفری. در این میان، هرچند قانون جزای افغانستان اصل صلاحیت جهانی را پیش‌بینی نکرده است، اما با توجه به اینکه در این خصوص کنوانسیون‌هایی همانند کنوانسیون‌های هواپیمارایی - که مورد پذیرش افغانستان است - وجود دارد و از سویی برخورد با ربانندگان هواپیماها در صلاحیت عام کشورهاست، می‌توان گفت که این اصل مورد پذیرش کشور افغانستان است. از سوی دیگر، اعمال صلاحیت فراسرزمینی موجب لطمه به حاکمیت کشورهای دیگر نمی‌باشد؛ بلکه به موجب این اصول کشورها حق دارند، هنگامی که جرمی علیه اتباع آنها یا به وسیله اتباع آنها یا علیه منافع اساسی و حیاتی آنها یا علیه نظم بین‌المللی واقع می‌شود - به طوری که دستگیری مرتکب امکان‌پذیر باشد - صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشند و بدین طریق از بی مجازات ماندن برخی مجرمین که ممکن است به موجب اصل صلاحیت سرزمینی قابل مجازات نباشند جلوگیری نمایند. همچنین اعمال اصول صلاحیت فراسرزمینی، منوط به شرایطی از قبیل مهم بودن جرم ارتكابی، عدم رسیدگی قبلی و مجرمیت متقابل است و تنها در اصل صلاحیت واقعی است که این شرایط را لازم نیست.

\*. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو شورای مدیریت انجمن حقوق جامعه

**واژگان کلیدی:** صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی، صلاحیت فراسرزمینی، حقوق جزای بین‌الملل.

### مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم در حقوق جزا، مسئله اجرای حقوق جزا در مکان و تعیین دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد. برای درک اهمیت موضوع باید توجه داشت که در بعضی موارد کلیه عناصر جرم در یک مکان اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه هر قسمت از آن در یک کشور اتفاق می‌افتد. در این صورت اگر دادگاه‌های کشورهای مختلف خود را صالح برای رسیدگی بدانند، رفع اختلاف میان این دادگاه‌ها همانند دادگاه‌های داخلی نیست که دادگاه‌های مافوق آنها درصدد رفع آن بر آیند؛ زیرا در سطح بین‌المللی دادگاهی مافوق جود ندارد. مثال‌های زیادی می‌توان برای این فرآیند که قسمتی از جرم در محدوده یک کشور و قسمت دیگر آن در قلمرو حاکمیت کشور دیگر ارتکاب یابد، آورد.

موضوع اعمال قوانین کیفری در مکان از زمان‌های دور مورد بحث بوده است و راه‌حل‌های گوناگونی هم برای آن ارائه شده است؛ اما این مسئله در نیمه آخر قرن بیستم از اهمیت بیشتری برخوردار گردید. دلایل زیادی می‌توان برای اهمیت آن ذکر کرد: افزایش روزافزون مسئله تروریسم، مهاجرت، پیشرفت فناوری‌های نوین، تسهیل وسایل ارتباط جمعی و حمل‌ونقل‌های سریع بین‌المللی. این دلایل موجب گردیده که اولاً، جرائم بسیاری در سطح بین‌المللی پدید آید؛ ثانیاً، موجب شده که مجرمین بلافاصله پس از ارتکاب جرم کشور محل وقوع جرم را ترک کرده و به کشور دیگر بروند. همه این امور باعث شده که مسئله اجرای قوانین در مکان از اهمیت خاص برخوردار گردد و کشورها همکاری‌های بیشتری در زمینه مبارزه با جرائم انجام دهند.

اگرچه این مبحث بین حقوق جزای عمومی و حقوق جزای بین‌الملل مشترک است؛ اما اساساً بایستی گفت که این یک مسئله از موضوعات حقوق جزای بین‌الملل است که حقوقدانان

مثل آقای افراسیابی<sup>۱</sup> در بیان این مطلب از عنوان حقوق جزای بین‌الملل استفاده کرده است، لذا ما بر آنیم که ابتدا به تعریف و تقسیماتی که در این خصوص وجود دارد، پرداخته و سپس اصول و سیستم‌هایی که کشورها برای تعیین صلاحیت قوانین جزایی خودشان استفاده می‌کنند را توضیح دهیم و به‌طور ویژه به قانون جزای کشور افغانستان در این خصوص بپردازیم.

### فصل اول: حقوق جزای بین‌الملل، تعاریف و زیرشاخه‌ها

همان طوری که در مقدمه هم ذکر گردید، این مبحث بین حقوق جزای عمومی و حقوق جزای بین‌الملل مشترک است و اساساً بایستی گفت که این یک مسئله از موضوعات حقوق جزای بین‌الملل است. با توجه به اینکه حقوق جزا در قرن نوزدهم دارای یک خصیصه داخلی و ملی بود و در داخل جوامع خاص تدوین شده بود، حتی تدوین قوانین خاصی که درباره استرداد مجرمین صورت می‌گرفت در جهت نیل به اهداف حقوق داخلی بود؛ لذا دارای خصیصه بین‌المللی نبود و در حقوق داخلی کشورها قرار داشت.

#### مبحث اول: تعاریف حقوق جزای بین‌الملل

در پایان جنگ جهانی اول وضعیت حقوق جزای بین‌الملل تغییر اساسی کرد، جنبه بین‌المللی بودن آن پررنگ شد و معاهدات بین‌المللی تدوین گشت. این روند بین‌المللی شدن حقوق جزا در دهه‌های اخیر شتاب بیشتری پیدا کرده است که عوامل زیادی در این امر دخالت داشته‌اند. عواملی همانند افزایش ارتکاب جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت، همین طور لزوم رعایت حقوق بشر در سطح جهانی و گسترش تروریسم بین‌المللی.

بنابراین در بیان حقوق جزای بین‌الملل بایستی گفت که این رشته دارای سه معنا می‌باشد:

۱. محمد اسماعیل افراسیابی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۱۰.

### ۱) جنبه‌های بین‌المللی حقوق جزای داخلی؛

منظور آن است که دادگاه‌های یک کشور در دعاوی مشتمل بر یک عنصر خارجی باید چگونه تصمیم‌گیری نمایند. این قضیه شبیه آن چیزی است که در دعاوی مدنی موجب بحث از تعارض قوانین یا حقوق بین‌الملل خصوصی می‌گردد.

### ۲) جنبه‌های جزایی حقوق بین‌الملل؛

این به معنی آن دسته از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است که برای دولت‌ها الزاماتی را در مورد محتوای حقوق جزای داخلی آنها ایجاد می‌کند، مثلاً اینکه آنها بایستی برخی از جرائم برخوردار از ویژگی بین‌المللی را مجازات کنند یا آنکه در قوانین جزایی خود رعایت موازین حقوق بشر را کنند.

### ۳) حقوق جزای بین‌الملل خاص و دقیق کلمه؛

منظور آن چیزی است که یک دادگاه بین‌المللی در صورت ایجاد شدن باید آن را اجرا نماید. حقوقدانان در مورد اینکه آیا حقوق جزای بین‌الملل به معنای سوم وجود خارجی دارد یا خیر، اختلاف نظر دارند. تردید در مورد وجود رشته‌ای به نام حقوق جزای بین‌الملل نیز ناشی از آن است که این رشته از تلفیق دو رشته‌ی حقوق متفاوت -حقوق جزا و حقوق بین‌الملل- ایجاد شده است که اولی یک سیستم عمودی مبتنی بر تصمیم‌گیری نهادهای مسئول و اجرای این تصمیمات به شکل اجباری است، در حالی که دومی یک سیستم افقی و مبتنی بر رضایت دولت‌ها می‌باشد. دولت‌هایی که به دلیل برخورداری از حق حاکمیت، هیچ مقام تقنینی یا اجرایی بالاتر از خود را به رسمیت نمی‌شناسند. از تلفیق این دو رشته‌ی به‌ظاهر متفاوت، حقوق جزای بین‌الملل پدید آمده است.<sup>۱</sup>

۱. حسین میر محمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل، صص ۲۰-۱۹.

## مبحث دوم: رشته‌های حقوق جزای بین‌الملل

### گفتار اول: حقوق بین‌الملل جزایی عام

جرائمی که نظم عمومی بین‌المللی را تهدید و به خطر می‌اندازد و یا علیه انسانیت و حقوق بشر اعمال می‌گردد؛ گاهی از طرف افراد و گاهی توسط دولت‌ها علیه صلح و امنیت بین‌المللی و یا علیه بشریت صورت می‌گیرد، مانند جنایات ارتکاب یافته توسط نیروهای فاتح در زمان جنگ در کشورهای مغلوب، قتل و غارت افراد غیرنظامی، اعدام‌های دسته‌جمعی اسرای جنگی و نیز مجروحین، نسل‌کشی یا ژنوساید، قتل و زجر و آزار و اذیت اقلیت‌ها و تبعیض نژادی از طرف دولت‌ها. در اسناد بین‌المللی از این جرائم تحت عنوان (More Serious Offences) یاد شده است؛<sup>۱</sup> لذا در چنین جرائمی از سال‌ها قبل مقرر شده که در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مورد محاکمه قرار گیرند؛ مانند دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، یوگسلاوی، نورنبرگ، توکیو، سیرالئون.<sup>۲</sup>

۱. برخی از حقوقدانان تقسیم سومی هم ذکر کرده‌اند موسوم به حقوق جرائم فراملی (بین‌المللی)؛ جرم فراملی از جرائم است که در حقوق کیفری داخلی و ملی به صورت قبلی و وضع نشده است بلکه بر مبنای اصول و قواعد بین‌المللی و قرارداد میان دولت‌ها موظف به برخورد با آن می‌شوند؛ به عبارت دیگر به سبب جهت یا ویژگی خاصی که یک جرم دارد (به گونه‌ای که نظم، امنیت و مصالح یک منطقه) را به خطر می‌اندازد بر اساس قراردادهای انعقادی دولت‌های منطقه یا قراردادهای بین‌المللی دولت‌ها ملزم به اعمال مقررات ویژه‌ای برای مبارزه با این دسته از جرائم می‌شوند. ویژگی این دسته از جرائم این است که یا از طریق معاهدات بین‌المللی وارد حقوق جزای داخلی می‌شود مانند پول‌شویی یا قاچاق انسان-فساد اداری بین‌المللی و جرائم سایبر یا اگر در حقوق جزای داخلی از قبل پیش‌بینی شده‌اند برای نظم بین‌المللی و منطقه‌ای دولت‌ها توافق می‌کنند به سبب ویژگی که دارند، اقدامات فراملی یا بین‌المللی را اعمال کنند مانند قاچاق مواد مخدر که از قبل داشتیم ولی کنوانسیون وین راهکار فراملی اتخاذ کرده است. بنابراین جرم فراملی: جرمی است که لااقل ۲ کشور را درگیر کند؛ یا از حقوق بین‌الملل وارد حقوق جزای داخلی می‌شود یا از حقوق داخلی است و فراملی می‌شود. محمدابراهیم و شمس ناتری، جزوه درس حقوق جزای بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ص ۷.

۲. حسین میر محمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل.

بدیهی است که انصاف و عدالت ایجاب می کند که این دسته از مجرمین بین المللی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند؛ لذا تشکیل یک دادگاه بی طرف بین المللی برای رسیدگی به جرائم مجرمین بین المللی ضرورت دارد. در مورد ویژگی های این جرائم در جهت قانون گذاری توسط کشورها می توان گفت که یا در قوانین داخلی کشورها جرم انگاری نمی شوند. یا اگر جرم انگاری شوند، چون اکثراً توسط مسئولان حکومتی ارتکاب می یابد؛ مجازات مناسبی پیش بینی نمی شود. حتی اگر مجازات مناسبی پیش بینی شود، چون به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط حکمرانان ارتکاب می یابند، برخورد مناسب صورت نمی گیرد. لذا در اساسنامه رم، صلاحیت دیوان بین المللی کیفری تکمیلی دانسته شده است تا در امور داخلی کشورها دخالت نکند و خود آن دولت برخورد کند، اما اگر دولتی نخواهد یا نتواند، دیوان دخالت می کند و البته در مورد این جرائم مرور زمان وجود ندارد.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: حقوق جزای بین الملل خاص

حقوق جزای بین الملل خاص یا حقوق جزای برون مرزی به حقوق داخلی مربوط می شود و مربوط به قسمتی از حقوق جزای داخلی است. سعی این دسته از حقوق، در تعیین صلاحیت محاکم کیفری کشوری در زمینه مبارزه با جرائمی است که یک عامل برون مرزی در آنها وجود دارد. این عامل برون مرزی مربوط به محل وقوع جرم و تابعیت مرتکب جرم است. بدین ترتیب تفاوت حقوق بین الملل جزایی عام با حقوق جزای بین الملل خاص در این است که مقررات حقوق بین الملل جزایی ناشی از توافق و قرارداد بین دولتهاست، در حالی که قواعد حقوق جزای بین الملل حاصل صلاحیت قانونی هر دولت است؛ یعنی دولت با حاکمیت اراده ای که دارد، در زمینه بین المللی نسبت به صلاحیت کیفری خود اتخاذ تصمیم می نماید.<sup>۲</sup>

۱. ماده ۵ تا ۹ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به نقل از: اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، بانک

مقالات حقوقی، صص ۳-۸

۲. ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۷۲.

## فصل دوم: صلاحیت قانون‌گذاری و قضایی کشورها در رسیدگی به جرائم بین‌المللی

در حقوق جزای بین‌الملل این اصل مورد قبول واقع شده است که صلاحیت قانون‌گذاری و قضایی در حقوق جزای بین‌المللی غیرقابل تفکیک است. یعنی اعمال صلاحیت قانون‌گذاری یک کشور، ضرورتاً صلاحیت مراجع قضایی همان کشور را نیز به دنبال خواهد داشت. برعکس این موضوع در حقوق بین‌الملل خصوصی است که صلاحیت قانون‌گذاری کشورها به معنای صلاحیت قضایی همان کشورها نیست مثلاً دادگاه افغانستان و قاضی افغانستانی بر طبق قانون کشور دیگر رسیدگی و حکم صادر نماید، نه بر طبق قانون افغانستان؛ بنابراین کشورها برای تعیین صلاحیت قوانین کیفری خودشان از چهار نظریه، سیستم یا اصل پیروی می‌کنند.

### مبحث اول: اصل صلاحیت سرزمینی یا درون‌مرزی

حق حاکمیت و استقلال هر کشوری ایجاب می‌کند که کشورهای دیگر از دخالت در امور داخلی آنها احتراز کنند. قوانین و مقررات جزایی که در هر کشور به منظور تأمین نظم عمومی و منافع و مصالح جامعه وضع می‌شوند، علی‌الاصول محدود به قلمرو حاکمیت آنها (هوایی، زمینی و دریایی) هستند. این اصل را سرزمینی بودن صلاحیت یا اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری می‌نامند. اعمال صلاحیت یک کشور بر وقایع، اموال و اشخاص، در سرزمین و قلمرو آن کشور، از نظر حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است که البته در این خصوص کشورها مقررات متفاوتی وضع نموده‌اند.

در بیان اهمیت این صلاحیت می‌توان گفت که ولتر در کتاب فرهنگ فلسفی خود - بعد از اینکه جنبه محلی بودن جرم و محاکمه و کیفر را شرح می‌دهد - محل وقوع جرم را بهترین محل برای رسیدگی به جرم می‌داند.<sup>۱</sup>

ژان ژاک روسو فیلسوف و نویسنده فرانسوی در کتاب قرارداد اجتماعی می‌نویسد:

۱. هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۷۹.

«چون افراد به‌تنهایی در عالم طبیعت قادر به دفاع از خود نیستند، لذا با انعقاد قرارداد که به قرارداد اجتماعی معروف گردید با یکدیگر متعهد می‌شوند و دولت را به نمایندگی از خود تعیین می‌نمایند. در این قرارداد سرزمین عامل مهمی به شمار می‌رود لذا در صورت وقوع جرم و تخلف از قرارداد اجتماعی بایستی قانون آن دولت را قبول کرده و قانون آن دولت بر اعمال ارتكابی و جرائم آنها حاکم باشد»<sup>۱</sup>.

سزار بکاریا دانشمند ایتالیایی و یکی از پیشگامان انقلاب کیفری مدرن، هدف قانون جزا را حفظ نظم و انتظامات دولتی می‌داند و معتقد است چون حد سیاسی هر کشور به مرزهای آن ختم می‌شود، لذا قوانین کیفری باید در داخل یک کشور و نسبت به جرائم ارتكابی در آن کشور صلاحیت اعمال داشته باشد.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت اصل سرزمینی که از گذشته دور مورد توجه اندیشمندان بوده است، لذا حقوقدانان مزایای زیادی را برای آن برشمرده‌اند که در ذیل به آن می‌پردازیم.

### گفتار اول: منافع اجتماعی

رسیدگی در محل وقوع جرم از نظر اجتماعی مفید است؛ زیرا هنگامی که جرمی در محلی واقع می‌شود، ساکنان آن محل یا کشور احساساتشان بیش از هرکس دیگری جریحه‌دار می‌شود و از آنجا که یکی از اهداف مجازات تسکین خاطر و رفع تشویش و نگرانی آنهاست، لذا برای رسیدن به این هدف و نیز اعاده نظم، رسیدگی در محل وقوع جرم به مراتب بهتر می‌باشد و جنبه ارعابی و تنبیهی مجازات‌ها نیز بهتر اجرا درمی‌آید.

### گفتار دوم: تأمین حقوق فردی

مجرمی که در کشور معینی مرتکب جرمی می‌گردد، با توجه به قوانین و مجازات‌های محل ارتكاب جرم است و ما هم وی را بر اساس مجازات‌های تعیین شده در قوانین همان کشور کیفر می‌دهیم و این منطبق بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است.

۱. مرتضی محسنی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. همان، صص ۳۸۵-۳۸۷ و همین‌طور هوشنگ فرامرزی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۸.



## گفتار سوم: امکان اجرای بهتر عدالت

در محل ارتکاب جرم بهتر می‌توان عدالت را اجرا کرد، از نظر هزینه‌ها نیز رسیدگی به جرم در محل وقوع آن کم‌هزینه‌تر است زیرا رفت‌وآمد اصحاب دعوا، شهود و وکلا به کشور دیگر با مشکلاتی مواجه است.<sup>۱</sup>

## مبحث دوم: اصل صلاحیت سرزمینی در قانون جزای افغانستان

قوانین و مقررات جزایی که در هر کشور به منظور تأمین نظم عمومی و منافع و مصالح جامعه وضع می‌شوند علی‌القاعده محدود به قلمرو حاکمیت آنها (هوایی، دریایی و دریایی) هستند. این اصل را سرزمینی بودن صلاحیت یا اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری می‌نامند. قانون جزای افغانستان هم مانند سایر کشورها از این قاعده مستثنا نمی‌باشد. به‌طور کلی هر قانونی که در یک کشور قابلیت اجرا پیدا کند - قبل از تصویب و اجرا - قلمرو اعمال آن مورد بحث قرار می‌گیرد؛ به این معنا که قانون مذکور در محدوده این کشور و نسبت به تمام جرائمی که از ناحیه اتباع داخلی و یا اتباع خارجی واقع می‌شود قابل اجرا خواهد بود.

قانون جزای افغانستان هم این مهم را بیان می‌دارد که این قانون نسبت به تمام ساکنین این کشور قابل تطبیق است. در این زمینه در بند ۱ ماده ۱۴ این قانون آمده است:

«احکام این قانون بر اشخاصی که در ساحه دولت جمهوری اسلامی افغانستان مرتکب جرم شوند، تطبیق می‌گردد. ساحه دولت جمهوری اسلامی افغانستان شامل هر مکانی است که تحت سلطه آن واقع باشد».

مطابق ماده فوق اشخاص حقیقی و حقوقی که در قلمرو افغانستان مرتکب جرم گردند، مطابق قانون جزای افغانستان محاکمه خواهند شد. قلمرو دولت افغانستان، محدود به قلمروی جغرافیای نخواهد بود؛ بلکه این قلمرو شامل مکان‌ها و سرزمین‌هایی که تحت تسلط افغانستان به‌طور مشروع باشد، نیز می‌شود. مثلاً سفارت‌خانه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها و سرزمین‌های استیجاری که افغانستان در کشورهای دیگر در اختیار دارد از جمله مکان‌ها و سرزمین‌هایی

۱. محمد اسماعیل افراسیابی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۱۴.

است که تحت قلمرو قانون جزای افغانستان قرار دارد. قلمرو اعمال قانون جزا شامل نواحی از دریاها که مطابق قوانین بین‌المللی جزء خاک یک کشور به حساب آمده، نیز می‌شود. بند ۲ این ماده به این مطلب اشعار دارد:

«طیارات و کشتی‌های افغانی اعم از اینکه در داخل افغانستان باشد یا در خارج آن از جمله ساحه افغانستان محسوب می‌شود؛ مگر اینکه طبق قواعد حقوق بین‌الدول عمومی تابع دولت اجنبی باشد»

اصل صلاحیت سرزمینی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند، بنابراین بایستی در این خصوص دیدگاه قانون جزای افغانستان را بررسی کنیم که کدام‌یک از این نظریات را پذیرفته است. اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی و اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی که بعضاً تحت عنوان «نظریه عناصر متشکله» و «نظریه آثار» نیز از آنها نام می‌برند. مطابق اصل اول، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که تمام یا بخشی از آن جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت اعم از زمینی، دریایی یا هوایی، ارتکاب یافته باشد. مطابق اصل دوم دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که نتیجه یا آثار سوء آن جرم در محدوده قلمرو آن دولت ارتکاب یافته باشد، مثلاً اگر کسی با شلیک یک گلوله یا ارسال یک بسته پستی حاوی بمب از داخل کشور (الف) کسی را در داخل کشور (ب) به قتل برساند، کشور (الف) بر اساس اصل سرزمینی شخصی و کشور (ب) بر اساس اصل سرزمینی عینی حق محاکمه و مجازات وی را دارند.<sup>۱</sup>

مطابق مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جزای افغانستان، می‌توان گفت که قانون‌گذار در این ماده اصل صلاحیت سرزمینی شخصی را مورد حمایت قرار داده است. در ماده ۱۵ این قانون چنین بیان می‌کند:

«احکام این قانون بر اشخاص آتی نیز قابل تطبیق است: ۱- شخصی که در خارج از افغانستان مرتکب عملی گردد که به اثر آن فاعل یا شریک جرمی شناخته شود که کلاً یا قسماً در افغانستان واقع شده باشد. ۲- شخصی که در خارج افغانستان مرتکب یکی از جرائم آتی گردد: ۱- جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی دولت افغانستان. ۲- جنایت جعل مندرج مواد

۱. حسین میر محمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۲۴.

(۳۰۲) و (۳۰۳) ۳- جنایت تزویر مندرج ماده (۳۱۰) این قانون یا ادخال اشیاء جعل یا تزویر شده مذکور به افغانستان».

مطابق ماده فوق هرگاه قسمتی از جرم در خارج واقع و نتیجه آن در قلمرو حاکمیت افغانستان حاصل شود و یا قسمتی از جرم در افغانستان و یا در خارج و نتیجه آن در افغانستان حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در افغانستان است که بند ۱ ماده ۱۵ به این مطلب اشاره دارد.

برای توضیح بیشتر این مطلب به دعوای مطروحه علیه ژنرال نوریگا در دادگاه‌های آمریکا که صلاحیت محکمه بر اساس اصل سرزمینی عینی محرز دانسته شده، می‌پردازیم. نوریگا، در فوریه سال ۱۹۸۸ با دو کیفرخواست در فلوریدا به اتهام تبانی برای وارد کردن و توزیع کوکائین و ماری‌جوانا در آمریکا روبرو بود. در بیستم دسامبر ۱۹۸۹ تعداد ۱۰۰۰۰ سرباز آمریکایی پاناما را اشغال کرده و یک دولت طرفدار خود را بر سرکار گذاشتند. نوریگا ابتدا به سفارت واتیکان پناهنده شد؛ ولی نهایتاً خود را به نیروهای آمریکایی تسلیم کرد. وی در محاکم آمریکا مورد محاکمه قرار گرفت و محکمه صلاحیت خود را بر مبنای اصل سرزمینی نوعی محرز دانست در نظرسنجی انجام شده از مردم آمریکا، ۷۴ درصد از آنها اشغال پاناما و ۷۰ درصد به محاکمه کشیده شدن نوریگا را در آمریکا مورد تأیید قرار دادند که این آمار نشانگر نفرت آمریکاییان از بانیان قاچاق مواد مخدر در آمریکا که معضل عظیمی برای این کشور شده است، می‌باشد.

در همین جا اشاره به این نکته ضروری است که دادگاه‌های آمریکا در مواردی که شخص مجرم از یک کشور دوست و با نقض مقررات معاهده‌ی استرداد مجرمین بین آمریکا و آن کشور ربوده شده و برای محاکمه به آمریکا برده شده است بعضاً خود را صالح به رسیدگی ندانسته‌اند. نمونه این مورد دعوای راجع به هامبرتو آلوارز ماشن بود در فوریه ۱۹۸۵، یکی از مأموران اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا به نام کامارنا در شهر گوآدالاجارا در مکزیک ربوده شد و یک ماه بعد بدن مثله شده وی در ده کیلومتری شهر یافت شد. کیفرخواست صادر شده علیه ماشن این قتل را به وی نسبت می‌داد؛ ولی تلاش‌های دولت آمریکا برای استرداد وی بر اساس معاهده استرداد فیما بین دو کشور مثمر ثمر واقع نشد.

بالاخره در دوم آوریل ۱۹۹۰ چند نفر تفنگدار مسلح، وی را از دفتر کارش در مکزیک ر بوده و به آمریکا بردند. دادگاه رأی داد که این آدم‌ربایی نقض معاهده استرداد منعقد بین دو کشور بوده است. بعضی از نویسندگان، نوع سومی را نیز برای اصل صلاحیت سرزمینی قائل شده‌اند و آن اصل سرزمینی شناور است که مطابق این اصل، کشور صاحب پرچم صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی در کشتی یا هواپیمای تحت پرچم آن کشور را دارد. بدیهی است با توجه به اینکه کشتی یا هواپیما جزء قلمرو کشور صاحب پرچم محسوب می‌شوند، می‌توان این نوع صلاحیت را نوع جدیدی محسوب نکرده و تحت همان دو نوع سابق‌الذکر مورد بررسی قرار داد.<sup>۱</sup>

البته بایستی توجه داشت که قانون جزای افغانستان در ماده ۱۴ به این مسئله پرداخته است؛ در صورتی که قائل به نظریه اصل سرزمینی شناور، منهای اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی باشیم؛ بنابراین اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری اگر تبعه یک کشور در خارج از آن کشور مرتکب جرمی گردد، نباید در کشور متبوع خود تعقیب و محاکمه و مجازات شود؛ ولی از آنجا که اصل به‌تنهایی نمی‌تواند از فرار مجرمین از مجازات جلوگیری کند، برای رفع این نقیصه اصول صلاحیتی دیگری پا به عرصه حضور گذاشته‌اند که از آنها به اصول صلاحیت فراسرزمینی نام برده می‌شود و به‌موجب آن کشورها حق دارند دامنه اجرای قوانین خود را نسبت به جرائمی که خارج از محدوده قلمرو آنها واقع می‌شود گسترش و تسری دهند. این اصول به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: (۱) اصل صلاحیت شخصی (۲) اصل صلاحیت واقعی (۳) اصل صلاحیت جهانی

### فصل سوم: اصل صلاحیت شخصی

یکی از اصول صلاحیت فراسرزمینی که کشورها در جهت رفع نقیصه اصل صلاحیت سرزمینی در راستای عرف حقوق بین‌الملل به کار می‌گیرند، اصل صلاحیت شخصی اعم از جنبه مثبت و جنبه منفی آن می‌باشد. این اصل از دو جنبه قابل اعمال است. از یک جنبه

۱. همان، ص ۲۵.

ممکن است هنگامی اعمال شود که شخص مرتکب تبعه یک کشور غیر از کشور محل وقوع جرم باشد که از آن به جنبه فعال یا جنبه مثبت اصل صلاحیت شخصی یاد می‌شود و از جنبه دیگر هنگامی اعمال می‌شود که دولت متبوع بزهدیده جرمی که در خارج از قلمرو آن کشور واقع شده، مدعی صلاحیت رسیدگی به جرم مزبور باشد که از آن به جنبه منفعل یا منفی یا غیرعامل اصل صلاحیت شخصی یاد می‌شود.

جنبه منفی این اصل برای حمایت از اتباع یک کشور به شرط عدم اجرای اصل سرزمینی وارد عمل می‌شود، البته این اصل به‌طور کلی در خصوص همه جرائم مورد پذیرش قرار نگرفته ولی به‌طور بسیار وسیعی در مورد جرائم تروریستی یا جرائم سازمان‌یافته علیه اتباع یک کشور یا ترور نمایندگان سیاسی و دیپلماتیک یک کشور اجرا می‌شود. فرانسه در قانون جزای خود در ماده ۶-۱۱۳-۷-۱۱۳ هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی را مورد پذیرش قرار داده است.<sup>۱</sup>

از آنجا که ممکن است مجرم پس از ارتکاب جرم در کشور بیگانه به کشور متبوع خود فرار کند، چنانچه اصل صلاحیت شخصی در جنبه مثبت آن مورد پذیرش نباشد، این مجرم از مجازات فرار کند؛ هدف اصلی حقوق جزای بین‌الملل - جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است - حاصل نمی‌گردد. لذا دولت‌ها ناچار به توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی خود به خارج از قلمرو خود گردیده‌اند تا اتباع خود را که در سرزمین سایر کشورها مرتکب جرم گردیده‌اند، مجازات نمایند.<sup>۲</sup>

البته این جنبه از صلاحیت شخصی نیز از انتقاد حقوقدانان مصون نمانده است. این دسته معتقدند که ملیت یک کیفیت شخصی مربوط به مجنی علیه است و نمی‌تواند پایه و اساس درستی جهت صلاحیت باشد؛ زیرا مجازات جهت دفاع از حقوق خصوصی صورت نمی‌گیرد و

۱. جعفر بوشهری حقوق جزای فرانسه، ص ۲۴۰.

۲. حسن پور بافرانی، اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران، ص ۸۳.

نقض صلاحیت درون مرزی در صورتی است که منافع عالی کشور مانند امنیت کشور در خطر باشد.<sup>۱</sup>

در گذشته نیز این اصل مورد مخالفت برخی دانشمندان قرار گرفته از جمله منتسکیو و ژان ژاک روسو که معتقد به نسبی بودن ارزش قوانین کیفری بودند. ایشان ترک سرزمین را به منزله اراده شخص جهت عدم رعایت قرار داد اجتماعی و رهایی از حاکمیت آن سرزمین تلقی می‌کردند. بکار یا نیز به همین ترتیب معتقد به محدودیت صلاحیت جزایی در قلمرو سرزمین بود. او اعتقاد داشت تنها حاکم یک سرزمین است که صالح و قادر به تعقیب و مجازات مجرم است. اعمال اصل صلاحیت چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی آن مشروط است به وجود رابطه تابعیت، بین مرتکب جرم یا بزه‌دیده و دولتی که درصدد اعمال صلاحیت خویش است.

### مبحث اول: مبانی اصل صلاحیت شخصی

دانستیم که اعمال اصل صلاحیت شخصی به منزله نقض حاکمیت و استقلال دولت‌ها نیست؛ بلکه گامی در جهت ایجاد نظم بین‌المللی و مجازات مجرمین است و این‌گونه نیست که دولتی قدرت خویش را خودسرانه در قلمرو کشوری دیگر اعمال نماید؛ زیرا از نظر حقوق جزای بین‌الملل این موضوع کاملاً مردود و نقض آشکار مقررات بین‌المللی است و از منظر صلاحیت شخصی، دولت‌ها هنگامی می‌توانند اعمال صلاحیت نمایند که یا مرتکب شخصاً و آزادانه و با اراده خویش به سرزمین دولت متبوعش برگردد یا توسط دولت بیگانه مسترد شده باشد؛ لذا برای توجیه این اصل مبانی متعددی بیان که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

### گفتار اول: عدالت

در مکاتب گوناگون همیشه در کنار اصول حقوق جزا از مفهوم عدالت سخن به میان آمده است. مکتب نئوکلاسیک دخالت قاضی را هنگامی مجاز می‌داند که عدالت اقتضا نماید. ارتلان حقوق‌دان فرانسوی معتقد است که حق کیفر دادن به اتباع خودی، در پاره‌ای از موارد به علت

۱. عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲. دوندیو دو وابر، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری مقایسه‌ای، صص ۳۶-۳۷.

اعمالی که در کشور بیگانه مرتکب شده‌اند ناشی از آن نیست که قانون کیفری قانون شخصی باشد و همانند قوانین مربوط به احوال شخصیه و امنیت اشخاص آنان را سایه‌وار دنبال کند، بلکه این حقوق اصولاً ناشی از این کیفیت مضاعف است که کیفر آنها مطابق قوانین اخلاقی و قوانین جاری کشور عادلانه است؛ بنابراین برای توجیه اصل صلاحیت شخصی به مفهوم عدالت استناد کرده و اجرای آن را در راستای عدالت ضروری می‌دانند.

### گفتار دوم: حفظ نظم عمومی

یکی دیگر از مبانی اصل صلاحیت شخصی حفظ نظم عمومی و احساس امنیت افراد و اتباع یک کشور است چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی، نظم عمومی و مصالح کشور اقتضا می‌کند که دولت نسبت به اعمال اصل صلاحیت شخصی اقدام نماید، زیرا در جنبه مثبت چنانچه بزهکار به کشور متبوع خود برگردد، هموطنان از عدم مجازات وی آشفته خاطر می‌گردند، علاوه بر آن ممکن است این بزهکار به اعمال بزهکارانه خود در کشور متبوعش نیز ادامه دهد. در چنین مواردی دادگاه‌های دولت متبوع بزهکار باید بی‌تردید وارد عمل شده و به‌جای دادگاه‌های کشور محل وقوع جرم اعمال صلاحیت نمایند.<sup>۲</sup>

شاید در این خصوص گفته شود که استرداد مجرمین به کشور محل وقوع جرم راه‌حل بهتری است؛ اما باید توجه داشت که اعمال استرداد منوط به وجود قرارداد خاص در این زمینه و رابطه صمیمی در عرصه بین‌المللی است، مضافاً اینکه عرف بین‌المللی اجازه می‌دهد که هر کشوری از استرداد اتباع خود به کشورهای دیگر امتناع کند. در بحث جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی نیز همین نکته کافی است که اتباع یک کشور در هر جای دنیا که باشند انتظار دارند که مورد حمایت کشورشان باشند و همان‌گونه که قوانین کیفری کشورشان آنها را سایه‌وار دنبال می‌کند، چتر حمایتی کشورشان نیز همواره از آنها حمایت نماید که می‌توان گفت این مهم‌ترین مبنا و توجیه جهت وجود اصل صلاحیت شخصی در جنبه منفی آن می‌باشد. علاوه

۱. حسینقلی حسین نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۵۶.

۲. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۳، ص ۱۳۸.

بر آن در صورت ارتکاب جرم علیه تبعه یک کشور، نه تنها خود شخص متضرر می‌گردد، بلکه به اعتبار و حیثیت دولت متبوع وی نیز لطمه وارد خواهد شد.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: ملیت

در توجیه اصل صلاحیت شخصی این اعتقاد نیز وجود دارد که آنچه افراد یک کشور را به هم پیوند می‌دهد همان ملیت است؛ یعنی افراد یک کشور به حکم غریزه و به حکم گذشته‌های تاریخی و هزاران عامل سنتی و تمدنی و قومی با هم متحد و مربوط شده‌اند. یکی از عوامل بسیار اساسی این اتحاد وجود قانونی واحد است که بر تمام افراد ملت حاکم است. این قانون حافظ و حامی افراد ملت بوده و آنها را چه در داخل و چه در خارج کشور دنبال می‌کند و هرکسی از این قوانین تخطی نماید- لو اینکه در خارج هم باشد- بایستی تحت تعقیب و مجازات قرار بگیرد.<sup>۲</sup>

در جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی نیز به موجب همین اتحاد و همبستگی ملیتی، دولت بایستی از اتباع خود که در خارج از کشور بزه‌دیده واقع می‌شوند، حمایت همه جانبه به عمل آورد. لذا می‌توان گفت عنصر ملیت از اساس‌ترین و مهم‌ترین مبانی توجیهی اصل صلاحیت شخصی هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی آن است.

### گفتار چهارم: وظیفه حمایتی دولت

دولت وظیفه دارد که از اتباع خود در هر جای دنیا که باشند حمایت کند. این توجیه که بیشتر مربوط به جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی است در خصوص جنبه مثبت نیز بی‌ارتباط نیست؛ زیرا منافع خود مرتکب نیز در این است که توسط دولت متبوع خود محاکمه شود. به موجب همین توجیه حمایتی است که مأموران سیاسی و اشخاص دارای مصونیت، از تعقیب و محاکمه در کشور بیگانه مصون هستند. بنابراین می‌توان گفت که جنبه مثبت اصل صلاحیت شخصی نیز دارای توجیه حمایتی است و منافع مرتکب جرم نیز در این است که در کشور

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. مرتضی محسنی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۸۹.



متبوع خود محاکمه گردد. در جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی این حمایت می تواند به طرق گوناگونی به عمل آید، به عنوان نمونه حمایت به وسیله دفاتر نمایندگی سیاسی و کنسولی که ماده ۵ کنوانسیون وین راجع به روابط کنسولی مصوب ۱۹۶۳ حاوی مقرراتی در این خصوص است.<sup>۱</sup>

### گفتار پنجم: جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین

اعمال مطلق اصل صلاحیت سرزمینی کاستی هایی را به دنبال دارد به گونه ای که بسیاری از جرائم بدون مجازات باقی می ماندند. این موضوع هم در جنبه مثبت اصل صلاحیت شخصی و هم در جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی قابل رؤیت است؛ لذا بدون پذیرش اصل صلاحیت شخصی و صرفاً با توسل به اصل صلاحیت سرزمینی در بسیاری از موارد مجرمین از زیر بار مجازات فرار خواهند کرد.

### گفتار ششم: دفاع از حیثیت و اعتبار کشور

همان گونه که رفتار پسندیده اتباع یک کشور در خارج موجب سربلندی کشور متبوع است، به همان ترتیب نیز ارتکاب جرم از ناحیه آنها در خارج از کشور باعث از بین رفتن حیثیت و اعتبار کشور می گردد. بدیهی است در چنین حالتی بایستی کسی که موجب سرافکندگی هم میهنان خود شده تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد. از طرف دیگر، عدم واکنش یک کشور نسبت به جرائمی که علیه اتباع آن در خارج از کشور رخ می دهد، موجب بی اعتباری و بی لیاقتی آن کشور در حمایت از اتباعش چه در عرصه بین المللی و چه در داخل کشور می گردد.

### گفتار هفتم: مبارزه با حالت خطرناک

از منظر سیاست جنایی نیز باید اذعان داشت که کلیه دولت ها بایستی با حالت خطرناک و ضد اجتماعی مجرمین مبارزه نمایند و از آنجایی که ارتکاب جرم نمود بارز حالت خطرناک

۱. هوشنگ ناصر زاده، اعلامیه های حقوق بشر، ص ۱۳۳.

۲. مرتضی محسنی، محدوده حقوق جزا در مکان، ص ۸.

است، لذا باید این حالت خطرناک خنثی گردد و این موضوع نیز توجیهی در جهت اجرای اصل صلاحیت شخصی است. بنابراین توسل به اصل صلاحیت شخصی قوانین کیفری اجازه می‌دهد که دولت‌ها به این وظیفه خود نیز عمل کنند.<sup>۱</sup>

### مبحث دوم: شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی

هنگامی که جرمی خارج از قلمرو کشور واقع می‌شود، دولت متبوع مجرم یا بزه دیده نمی‌تواند به صورت مستقیم اقدام به تعقیب و دستگیری و مجازات مجرم نماید؛ زیرا برخلاف عرف و نزاکت بین‌المللی و مخالف با حق حاکمیت و استقلال دولت‌ها است و موجب برهم زدن نظم عمومی آن کشور می‌گردد. لذا بایستی حضور مجرم در قلمرو دولت متبوع خودش یا در قلمرو دولت متبوع بزه‌دیده به یکی از دو طریق ذیل باشد:

#### گفتار اول: استرداد مجرم

اصولاً کشوری که جرم در قلمرو آن واقع شده، پس از وقوع جرم با استناد به اصل سرزمینی به جرم رسیدگی می‌کند و از استرداد مجرم امتناع می‌نماید، مگر اینکه در خصوص استرداد قرارداد خاص یا روابط صمیمانه‌ای وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

#### گفتار دوم: حضور ارادی مجرم

در بعضی موارد ممکن است به دلایل مختلفی شخص پس از ارتکاب جرم در خارج از کشور به صورت آزادانه و ارادی به کشور متبوع خود برگردد. در چنین صورتی بر اساس اصل صلاحیت شخصی، دولت متبوع وی می‌تواند وی را محاکمه و مجازات نماید. البته حضور متهم در قلمرو حاکمیت دولت متبوع وی برای اعمال اصل صلاحیت شخصی شرط لازم و ضروری است و در صورت فقدان و عدم تحقق این شرط محلی برای اعمال این نوع صلاحیت وجود نخواهد داشت.

۱. مرتضی محسنی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۸۹.

۲. محمود عباسی، استرداد مجرمین.

بنابراین اگر مجرم ربوده شده و به کشور متبوع خودش انتقال داده شود، به علت تجاوز به حاکمیت کشور محل وقوع جرم، از لحاظ حقوق بین‌الملل، تعقیب محاکمه و مجازات او خالی از اشکال نیست؛ زیرا چنین عملی موجب بر هم زدن نظم بین‌المللی که هدف حقوق جزای بین‌الملل است، می‌شود و در واقع یک نوع نقض غرض محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: اهمیت جرم ارتكابی

با توجه به اینکه تعقیب و مجازات جرائم کوچک و جزئی که در خارج از کشور واقع شده‌اند، اصولاً نفعی دربر نداشته و علاوه بر آن موجب صرف هزینه‌های فراوان و تضییع وقت دستگاه عدالت کیفری می‌شود و از ارزشی که همکاری بین‌المللی را می‌طلبد نیز برخوردار نیست، لذا بیشتر کشورهای جهان اعمال اصل صلاحیت شخصی را منوط به ارتكاب جرائم مهم نموده‌اند. این شرط در قوانین برخی کشورها از قانون جزای فرانسه ۸-۱۱۳ و قانون مجازات لبنان مواد ۲۰ و ۲۴ گنجانده شده است.<sup>۲</sup>

یکی از علل توجیهی صلاحیت شخصی-همانطوری که در بحث مبانی اصل صلاحیت شخصی نیز ذکر شد- مبارزه با حالت خطرناک مجرم است و از آنجا که حالت خطرناک با ارتكاب جرائم مهم نمود پیدا می‌کند، لذا مهم بودن جرم ارتكابی یکی از شرایط اساسی برای اعمال اصل صلاحیت شخصی به شمار می‌رود که البته قانون جزای افغانستان در ماده ۱۸ و با احتساب مواد ۱۶، ۱۵ و ۱۷ این قانون شرط رعایت گردیده است.

### گفتار چهارم: مجرمانه بودن عمل ارتكابی در هر دو کشور مجرمیت متقابل

مطابق قطعنامه نهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و همچنین بر اساس موازین حقوق جزای بین‌المللی و مقررات اغلب کشورهای جهان، هنگامی می‌توان به اعتبار اصل صلاحیت شخصی شخص مرتکب جرم را تعقیب، محاکمه و مجازات نمود که عمل در هر دو کشور به‌عنوان جرم شناخته شده باشد که از این شرط به‌عنوان مجرمیت متقابل یاد می‌شود.

۱. سمیر عالی، قانون الغویات (القسم العام)، ص ۱۳۵.

۲. جعفر بوشهری، حقوق جزای فرانسه، ص ۲۴۰.

در خصوص ضرورت استناد به قاعده مجرمیت متقابل، برخی به معتقد به رعایت اصل تقابل کیفری می‌باشند و معتقدند که تعقیب و مجازات عملی که در محل وقوع جنبه کیفری ندارد به دور از عدل و انصاف است<sup>۱</sup> به علاوه ممکن است دولت محل وقوع جرم به این علت که در آن محل جنبه کیفری ندارد به اقدامات تعقیبی کشور متبوع یا بزه دیده اعتراض نماید. قاعده مجرمیت متقابل با اصل عدم مداخله در حاکمیت دولت‌ها سازگاری بیشتری دارد و از طرف دیگر آزادی‌های فردی و مبانی حقوق بشر نیز بهتر تأمین می‌شود. مطابق این قاعده دادگاه‌های فرانسه حتی اگر عمل جنحه‌ای در کشور فرانسه جرم باشد، ولی در کشور خارجی محل ارتکاب جرم نباشد مرتکب را تحت تعقیب قرار نخواهند داد.<sup>۲</sup>

### گفتار پنجم: عدم رسیدگی قبلی

در حقوق کیفری قاعده‌ای به نام منع تعقیب مجدد وجود دارد که به موجب این قاعده مجرم باید تنها یک بار محاکمه و مجازات گردد و عدالت اقتضا می‌کند که بیش از یک بار در مقابل واکنش اجتماعی و مجازات قرار نگیرد. بنابراین اگر شخصی در کشور محل وقوع جرم تعقیب محاکمه و مجازات گردید، مجدداً در کشور متبوع خود مورد محاکمه و مجازات قرار نگیرد. در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به نوعی به این قاعده اشاره شده است.<sup>۳</sup>

### گفتار ششم: عدم وجود موارد معافیت یا اسقاط مجازات

از دیگر شرایطی که برای اعمال اصل صلاحیت شخص ذکر شده است، عدم برخورداری متهم از موارد معافیت یا اسقاط مجازات می‌باشد. بدین توضیح که هرگاه متهم بر اساس قوانین و مقررات کشور متبوع خود از موارد معافیت یا اسقاط مجازات مثل عواملی رافع

۱. مرتضی محسنی، محدود حقوق جزا در مکان، ص ۱۰.

۲. گاستون استفانی، و دیگران، آئین دادرسی کیفری، ص ۱۶۷.

۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بانک مقالات حقوقی نشر عدالت، ص ۱۲.

مسئولیت یا علل موجه جرم برخوردار باشد و یا مشمول عفو و اسقاط مجازات شده باشد؛ طبق اصول اولیه دادرسی کیفری مجازات نخواهد شد. این موضوع ممکن است جنبه متقابلی داشته باشد و در هر دو کشور اجرا گردد.

لازم به ذکر است در صورتی که مجرم در حال تحمل مجازات از کشور خارجی فرار نماید، برخی معتقدند به میزان مجازات تحمل شده بخشوده هستند و معتقدند در صورت سکوت قانون باید با اعمال مقررات عفو، قضیه را فیصله داد که ریشه این نظریه را می‌توان در اصل مسلم تفسیر به نفع متهم دانست.<sup>۱</sup>

### مبحث سوم: اصل صلاحیت شخصی در قانون جزای افغانستان

اعمال اصل صلاحیت شخصی به منزله نقض حاکمیت و استقلال دولت‌ها نیست؛ بلکه گاهی در جهت ایجاد نظم بین‌المللی و مجازات مجرمین است و این‌گونه نیست که دولتی قدرت خویش را خودسرانه در قلمرو کشوری دیگر اعمال نماید، زیرا از نظر حقوق جزای بین‌الملل این موضوع کاملاً مردود نقض آشکار مقررات بین‌المللی است و از منظر صلاحیت شخصی دولت‌ها هنگامی می‌توانند اعمال صلاحیت نمایند که یا مرتکب شخصاً و آزادانه و با اراده خویش به سرزمین دولت متبوعش برگردد و یا توسط دولت بیگانه مسترد شده باشد. با توجه به این مطلب ماده ۱۸ قانون جزای افغانستان به اصل صلاحیت شخصی تأکید نموده و مقرر می‌دارد که:

«هر افغان که در خارج افغانستان مرتکب عملی گردد که به موجب احکام این قانون جرم شمرده شود، در صورت مراجعت به افغانستان طبق احکام این قانون مجازات می‌شود. مشروط بر اینکه فعل مذکور به موجب قانون کشور محل ارتکاب قابل مجازات باشد.»  
با توجه به ظاهر ماده که بیان می‌دارد «... در صورت مراجعه به افغانستان ...» به نظر می‌رسد که قانون‌گذار توجه به این مطلب داشته که مرتکب شخصاً و آزادانه و با اراده خویش به سرزمین دولت متبوعش یعنی افغانستان برگردد، البته مشروط به اینکه فعل مذکور به موجب قوانین کشور محل ارتکاب قابل مجازات باشد.

۱. دوندیو دو وابر، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری مقایسه‌ای، صص ۸۸-۸۹.

همان‌طور که در صدر بحث اصل صلاحیت شخصی بیان گردید این اصل دارای دو جنبه است که به آن جنبه مثبت و جنبه منفی می‌گویند. قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۸ درصدد بیان جنبه مثبت این اصل می‌باشد، از آنجا که ممکن است مجرم پس از ارتکاب جرم در کشور بیگانه به کشور متبوع خود فرار کند چنانچه اصل صلاحیت شخصی در جنبه مثبت آن مورد پذیرش نباشد این مجرم از مجازات فرار کرده و هدف اصلی حقوق جزای بین‌الملل که جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است حاصل نمی‌گردد.

بند ۱ ماده ۱۷ این قانون درصدد بیان صلاحیت منفعل است که اشعار می‌دارد:

«۱- احکام این قانون بر هر شخصی که در خارج افغانستان علیه افغان یا منفعت

افغانستان مرتکب جرم گردد قابل تطبیق است. ۲- دعوی جزائی علیه مرتکب این جرائم

مطابق به احکام مندرج قانون اجراءات جزائی اقامه می‌گردد.»

صلاحیت منفعل هنگامی اعمال می‌شود که دولت متبوع بزده دیده خواستار رسیدگی به

جرم است. جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی حمایت از اتباع یک کشور به شرط عدم اجرای

اصل سرزمینی می‌باشد.

## فصل چهارم: اصل صلاحیت واقعی

تاریخ تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که کشورهای مختلف همواره در برابر جرائمی

که منافع اساسی و حیاتی آنها را به مخاطره می‌انداخته، حتی اگر این جرائم در خارج از قلمرو

حاکمیت آنها و توسط بیگانگان هم واقع می‌شد، واکنش نشان می‌داده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. حسینقلی حسینی نژاد، حقوق کیفری، بین‌الملل، ص ۵۷.

در واقع در این حالت ارتکاب جرم آثار زیانباری را برای کشور در برداشته و به تعبیر برخی از اساتید حقوق جزا<sup>۱</sup> عکس‌العمل جزایی که کشور مورد صدمه در این موارد اتخاذ می‌کند عنوان دفاع مشروع دارد و دولت مورد صدمه نمی‌تواند حمایت از خود را در این موارد به سایر دولت‌ها واگذار کند.

گارو از حقوقدانان فرانسوی در این خصوص تعبیر جالبی دارد و می‌گوید: «در حقیقت دولت ... مجنی علیه و مصدوم این جرائم است و خود اقدام به تعقیب مرتکبین می‌نماید و تفاوتی نمی‌کند که این جرائم در داخل کشور انجام شده باشد یا در خارج کشور.»<sup>۲</sup>

اصل صلاحیت واقعی به معنی توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرائمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور واقع شده و به منافع اساسی و حیاتی آن کشور صدمه وارد می‌کند.<sup>۳</sup>

در این اصل، تنها معیار و مبنای ایجاد صلاحیت، ماهیت و شدت خود جرم ارتكابی است که علیه منافع اساسی و حیاتی کشور اعمال کننده صلاحیت به شمار می‌آید؛ به عبارت دیگر با توجه به خطراتی که کشورها از وقوع چنین جرائمی احساس می‌کنند، تن به پذیرش چنین صلاحیتی داده‌اند. این ایده حمایت و حفاظت از منافع جامعه سبب شده است که اصل مذکور اصل صلاحیت حمایتی نیز نامیده شود.<sup>۴</sup>

این نوع از صلاحیت آنچنان برای کشورها مهم است که حتی در حالتی که اتباع خود آنها هم در خارج از قلمرو حاکمیت آنها مرتکب چنین جرائمی شوند، اصل صلاحیتی قابل اعمال را نه اصل صلاحیت شخصی که اصل صلاحیت واقعی می‌دانند. بدیهی است شرایط و محدودیت‌هایی که در حقوق جزای بین‌الملل و نزد کشورهای مختلف برای اعمال اصل صلاحیت شخصی وجود دارد، هیچ‌کدام در مورد اصل صلاحیت واقعی وجود ندارد. به عنوان

۱. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنائی، ج ۳، ص ۱۴۲.

۲. رنه گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ص ۳۴۲.

۳. حسن پوریافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۱۲۱.

۴. حسین میر محمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۲۸؛ علی خالقی، جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل، ص ۴۳.

مثال کشورهای مختلف اعمال اصل صلاحیت شخصی را مشروط به وجود شرایطی از جمله مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل، عدم رسیدگی قبلی و مراجعت متهم به داخل کشور خود می‌دانند که هیچ‌کدام از این موارد را در مورد اصل صلاحیت واقعی اعمال نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که بیانگر اهمیت این اصل است آنکه دو کشور ایالات متحده آمریکا و انگلستان<sup>۲</sup> - دارای نظام حقوقی کامن‌لا- که به‌طور سنتی دید خوشی نسبت به صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج قلمرو حاکمیت ندارند، اصل صلاحیت واقعی را پذیرفته و به آن اعتماد زیادی هم نشان داده‌اند. حتی آمریکا بعضاً به شکل افراطی و قابل انتقاد به پذیرش اصل این اصل روی آورده است.<sup>۳</sup>

انگلستان هم به‌رغم اینکه کشوری است که شدیداً به اصل صلاحیت سرزمینی پایبند است، جرائم علیه امنیت انگلستان و جعل پول مملکت را که در خارج از کشور واقع شده باشد، تعقیب می‌کند، خواه مرتکب تبعه داخل باشد یا خارج.<sup>۴</sup>

### مبحث اول: مفهوم منافع اساسی و حیاتی موضوع صلاحیت واقعی

گفته شد که منافع اساسی و حیاتی کشورها، آنها را وادار کرده است که به توسعه قلمرو مکانی حقوق کیفری خود در حالتی که جرائم ارتكابی، در خارج از قلمرو حاکمیت آنها واقع شده بپردازند؛ اما مفهوم و مصادیق این منافع اساسی و حیاتی چیست؟ واقعیت آن است که

۱. حسن پوریافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، صص ۵۱-۵۹.

۲. Geoffrey Watson, R., (1992), Offenders Abroad: The Case for Nationality- based Criminal Jurisdiction, YaleJournal of International Law, and Vol. 17,p.3-4. Follow this and additional works at: <http://scholarship.law.yale.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1411&context=scholar>.

۳. حسن پوریافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، صص ۱۵۴-۱۵۶.

۴. Brownlie, Ian, (1990), Principles of Public International Law, 4th ed, Oxford. Follow this and additional works at: [http://books.google.com/books/about/Principles\\_of\\_Public\\_International\\_Law.html?id=juBFQgAACAAJ](http://books.google.com/books/about/Principles_of_Public_International_Law.html?id=juBFQgAACAAJ). p.30



کشورهای مختلف هرچند در کلیات مبحث وحدت نظر دارند؛ اما در جزئیات و بیان مصادیق وحدت نظری مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر تقریباً همه کشورها اتفاق نظر دارند که جرائم موضوع اصل صلاحیت واقعی، جرائمی است که علیه منافع اساسی و حیاتی کشور ارتکاب می‌یابد ولی در مورد اینکه مصادیق این جرائم چه جرائمی است اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر تا حدی است که حتی برخی کشورها اجازه استفاده از این اصل را در مورد جرائم غیرعمدی هم می‌دهند.<sup>۱</sup>

حتی مشخص نبودن قلمرو منافع اساسی و حیاتی باعث شده است تا این اصل علی‌رغم بدیهی و منطقی بودن پذیرش آن، از حیث قلمرو آن و سوءاستفاده‌های احتمالی که ممکن است از آن بشود مورد انتقاد برخی از حقوقدانان قرار گیرد.<sup>۲</sup>

درعین حال از دقت در قوانین کیفری کشورهای مختلف ملاحظه می‌شود که منظور آن از منافع اساسی و حیاتی از نظر آنها عمدتاً جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی است به عبارت دیگر آنچه امروزه در حقوق کیفری کشورها تحت عنوان جرائم علیه امنیت و آسایش شناخته می‌شود، جرائم موضوع اصل صلاحیت واقعی قرار گرفته است. با این توضیح که جرائم علیه امنیت تماماً و جرائم علیه آسایش عمومی بعضاً موضوع چنین صلاحیتی قرار گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر همه جرائم علیه آسایش عمومی موضوع چنین صلاحیتی واقع نمی‌شوند، بلکه مهم‌ترین این جرائم بخصوص جرم جعل اسناد بانکی، قلب سکه و نیز جعل فرمان رؤسای کشورها موضوع این صلاحیت واقع می‌شوند، در این خصوص می‌توان به ماده ۱۵، قانون جزای افغانستان اشاره کرد. ماده ۱۵ این قانون می‌گوید:

«احکام این قانون بر اشخاص آتی نیز قابل تطبیق است: ۱- شخصی که در خارج افغانستان مرتکب عملی گردد که بر اثر آن فاعل یا شریک جرمی شناخته شود که کلاً یا قسماً در افغانستان واقع باشد. ۲- شخصی که در خارج افغانستان مرتکب یکی از جرائم آتی گردد: ۱- جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی دولت افغانستان، ۲- جنایت جعل مندرج مواد

<sup>۱</sup> Iain Cameron (1994), p.49-50.

<sup>۲</sup> Michael Akehurst (1988).

(۳۰۲) و (۳۰۳) این قانون، ۳- جنایت تزویر مندرج ماده (۳۱۰) این قانون یا ادخال اشیاء جعل یا تزویر شده مذکور به افغانستان.»

در این ماده جرائم علیه امنیت و نیز جرائم مهم علیه آسایش عمومی مانند جعل اوراق بهادار و اسناد بانکی مدنظر قرار گرفته است. با دقت در این مواد ملاحظه می‌گردد کشورهای مختلف تمامی آنچه را که جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی خود می‌دانند، معایر با منافع اساسی و حیاتی خود قلمداد کرده و در حوزه جرائم علیه آسایش عمومی نیز جرائم قلب سکه و جعل، به خصوص جعل اسناد و اوراق بانکی، مهر دولت و گذرنامه را وارد این قلمرو می‌دانند.

### مبحث دوم: خصوصیات صلاحیت واقعی (اعمال بدون قید و شرط)

برای اعمال سایر اصول صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت (اصل صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه و اصل صلاحیت جهانی) شرایط و محدودیت‌هایی وجود دارد. از جمله مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل (جرم بودن عمل هم در کشور محل وقوع و هم در کشور اعمال کننده‌ی صلاحیت)، عدم رسیدگی قبلی و شرط حضور متهم. این در حالی است که برای اعمال این اصل هیچ‌کدام از این شرایط و محدودیت‌ها وجود ندارد. این به دلیل طبیعت خاص جرائم موضوع این اصل است که مستقیماً منافع اساسی و حیاتی یک کشور از جمله تمامیت سیاسی، ارضی و اقتصادی دولت‌ها را مورد لطمه قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر تمامی جرائمی که به نوعی لطمه به امنیت داخلی و خارجی و نیز آسایش عمومی یک کشور وارد می‌کنند، از جرائم مهم محسوب شده و لذا شرط مهم بودن در مورد آنها وجود دارد و نیازی به ذکر آن نیست.

از طرف دیگر این جرائم فقط در قانون کشور ذی‌نفع مورد جرم انگاری قرار گرفته و مطابق قانون کشور دیگر اصولاً جرم محسوب نمی‌شود. به‌عنوان مثال جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی افغانستان، صرفاً بر اساس قوانین افغانستان جرم است و دولت‌های دیگر آنها را جرم نمی‌دانند. همین‌طور جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مثلاً کشور فرانسه صرفاً بر اساس قانون فرانسه جرم است و در قوانین افغانستان و کشورهای دیگر جرم شناخته نشده است. لذا اگر قرار به وجود شرط مجرمیت متقابل باشد، هیچ دادگاهی، هیچ‌گاه واجد صلاحیت

واقعی به شمار نخواهد آمد و بدیهی است که قائل شدن به چنین شرطی به معنی کشیدن خط بطلان بر روی اصل صلاحیت واقعی است.

بر همین اساس نمی‌توان قائل به شرط عدم رسیدگی قبلی هم شد، چون اولاً همان‌طور که گفته شد، اصولاً قوانین کشورهای دیگر جرم علیه امنیت کشورهای غیر خود را جرم نمی‌دانند تا دادگاه‌های آنها بتوانند به آنها رسیدگی کنند.<sup>۱</sup> ثانیاً نمی‌توان به رسیدگی دادگاه‌های یک کشور دیگر نسبت به این جرائم امیدوار بود، لذا قائل شدن به وجود شرط عدم رسیدگی قبلی دادگاه محل وقوع جرم هم نقض غرض بوده و منطقی نیست.

بر همین اساس، کشورهای مختلف شرط حضور مجرم در کشور اعمال‌کننده صلاحیت را نیز لازم ندانسته و معتقد به محاکمه غیابی چنین متهمینی هستند. مثلاً در فرانسه به‌رغم آنکه قوانین قبلی شرط دستگیری یا استرداد مجرم به دولت فرانسه را برای رسیدگی قائل بودند اما در ماده ۱۰-۱۱۳ قانون جزای مصوب ۱۹۹۲ چنین شرطی حذف گردیده و در حال حاضر امکان محاکمه غیابی چنین متهمینی وجود دارد.<sup>۲</sup>

اعتقاد به جواز محاکمه غیابی متهمین موضوع اصل صلاحیت واقعی با مبانی اصل صلاحیت واقعی هم سازگاری بیشتری دارد، چرا که این اصل در راستای دفاع از منافع اساسی و حیاتی کشورها ایجاد شده و قائل شدن به این شرط، کارایی لازم را از آن سلب می‌کند. مضافاً که بسیاری از جرائم موضوع این اصل به دلیل مقابله مستقیمی که با حاکمیت دارند، از جرائم سیاسی به شمار آمده و عملاً کشورها مطابق با یک قاعده‌ی قدیمی و پذیرفته شده از استرداد مجرمین سیاسی منع شده‌اند. لذا عملاً امکان دسترسی به چنین مجرمینی مشکل است. حال اگر امکان محاکمه غیابی نیز در این موارد وجود نداشته باشد، مجرمین برای ارتکاب جرم، جرئت بیشتری پیدا کرده و امنیت کشورها به مخاطره می‌افتد. درحالی‌که اگر امکان محاکمه و محکومیت چنین مجرمینی وجود داشته باشد، همین حکم غیابی آنها را دچار

۱ Cedric Ryngaert, ( 2008).p.96.

۲. جعفر بوشهری، حقوق جزای فرانسه، صص ۲۴۰-۲۷۱.

محدودیت‌های اجتماعی عمده‌ای خواهد کرد. مضافاً که امکان دستگیری آنها هم از طریق مجاری قانونی مثلاً از طریق پلیس بین‌الملل و... برای تحمل مجازات وجود خواهد داشت.

### مبحث سوم: اصل صلاحیت واقعی در قانون جزای افغانستان

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۵ قانون جزای این کشور به بیان اصل صلاحیت واقعی می‌پردازد و اظهار می‌دارد:

«احکام این قانون بر اشخاص آتی نیز قابل تطبیق است: (۱) شخصی که در خارج افغانستان مرتکب عملی گردد که به اثر آن فاعل یا شریک جرمی شناخته شود که کلاً یا قسماً در افغانستان واقع شده باشد. (۲) شخصی که در خارج افغانستان مرتکب یکی از جرائم آتی گردد: (۱) جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی دولت افغانستان. (۲) جنایت جعل مندرج مواد (۳۰۲) و (۳۰۳) این قانون. (۳) جنایت تزویر مندرج ماده (۳۱۰) این قانون یا اذخال اشیا جعل یا تزویر شده مذکور به افغانستان.»<sup>۱</sup>

همان طوری که ملاحظه می‌گردد قانون جزای افغانستان نیز در این ماده به این مهم پرداخته است و با دقت در این ماده این مطلب به دست می‌آید که منظور از منافع اساسی و حیاتی موضوع صلاحیت واقعی از نظر قانون جزای افغانستان عمدتاً جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی است به عبارت دیگر آنچه امروزه در حقوق کیفری کشورها تحت عنوان جرائم علیه امنیت و آسایش شناخته می‌شود.

### فصل پنجم: اصل صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی نیز مانند اصل صلاحیت واقعی جهت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمین و تکمیل اصل صلاحیت سرزمینی مورد بحث حقوق جزای بین‌الملل و حقوقدانان قرار گرفته است. به موجب این اصل جرائمی از قبیل دزدی دریایی، قاچاق، تجارت برده و نیز جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، ژنوساید و تروریسم، محل نظم و امنیت بین‌المللی شناخته

۱. مسعود مظاهری، محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۶.

می‌شوند و مرتکبین آنها در هر نقطه از دنیا که یافت شوند، توسط کشوری که به آنها دسترسی پیدا کرده بدون توجه به اینکه جرم در کجا در قلمرو کدام کشور واقع شده، محاکمه و مجازات می‌گردند. نمونه اخیر اجرای این اصل، درگیری نیروهای دریایی ایران برای رهایی کشتی متعلق به کشور چین از چنگال دزدان دریایی بود که در سال ۱۳۹۳ اتفاق افتاد<sup>۱</sup>

### مبحث اول: مبانی اصل صلاحیت جهانی

برای اصل صلاحیت جهانی نیز همچون صلاحیت‌های دیگر مبانی‌ای ذکر کرده‌اند: ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمان، نظم عمومی کشور محل دستگیر مجرمان و نظم عمومی بین‌المللی که در ذیل به‌طور مختصر به هریک می‌پردازیم.

#### گفتار اول: ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین

البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که برخی از این شروط احیاناً در صلاحیت سرزمینی و شخصی نیز وجود داشته باشند. در واقع یکی از اهداف حقوق جزای بین‌الملل جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است. با وجود صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی مجرم یا مجرمین از اعمال مجازات فرار کنند، لذا برای جبران این نقیصه این اصل به کمک حقوق جزای بین‌الملل آمده است. به‌عنوان مثال هرگاه عده‌ای از دزدان دریایی که تابعیت هیچ کشوری را ندارند، در دریای آزاد به یک کشتی تجاری متعلق به کشور الف حمله کنند و سرنشینان آن را به قتل رسانده و اموال آنها را غارت کنند و پس از آن به کشور ب بروند، در این صورت کشور ب واجد اعمال صلاحیت برای رسیدگی به جرم نیست، زیرا جرم در قلمرو حاکمیت آن رخ نداده است، از طرفی هیچ‌یک از مجرمین از اتباع آن نیست و جرم هم علیه منافع عالیه این کشور نمی‌باشد. در این فرض اگر قرارداد استرداد مجرمین هم بین دو کشور الف و ب وجود نداشته باشد، قطعاً مجرمین بی مجازات خواهند ماند.<sup>۲</sup>

۱. دوندیو دو وابر، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری مقایسه‌ای، ص ۱۱۳.

۲. محمد اسماعیل زاده، احمد پور ابراهیم، اصل صلاحیت جهانی با رویکرد به حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی ایران، ص ۴۵.

### گفتار دوم: نظم عمومی کشور محل دستگیری

حضور ارادی و آزادانه و فارغ از هرگونه دغدغه مجرم، در کشوری غیر از محل ارتکاب جرم به نوعی نظم عمومی آنجا را مختل می‌کند. کیفر دادن چنین مجرمی در جایی که پناه آورده به مراتب از محل وقوع جرم ضروری‌تر است؛ زیرا اثر عبرت‌آموزی جمعی اقتضا دارد که بایستی در محل دستگیر اجرا گردد. البته این شرط اختلاف‌هایی هم بین حقوقدانان وجود دارد که در توان این نوشتار نمی‌گنجد.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: نظم عمومی بین‌الملل

دزدان دریایی یکی از نمونه‌های بارز مجرمان بین‌المللی و دشمنان بشریت محسوب می‌گردند؛ زیرا دزدی دریایی بدون هیچ تبعیضی علیه کشتی‌های تجاری و اتباع دولت‌های مختلف ارتکاب می‌یابد. به همین خاطر آنها دشمنان بشریت محسوب می‌گردند. سایر جرائم بین‌المللی همانند جنایات جنگی، جرائم علیه بشریت نیز از این دسته جرائم هستند؛ بنابراین با ارتکاب هریک از این جرائم نه تنها نظم کشور خاص بلکه نظم عمومی کشورها به خطر می‌افتد. به علت همین قضیه است که کشورها علیه دشمن مشترک خود به مبارزه می‌پردازند.<sup>۲</sup>

### مبحث دوم: شرایط اعمال صلاحیت جهانی

این اصل نیز همانند سایر اصول بدون قید و شرط نیست؛ بلکه برای جبران نقص و کاستی‌های سایر اصول -به‌ویژه برای رفع نقص صلاحیت سرزمینی- به وجود آمده است؛ لذا دارای شرایط می‌باشد.

### گفتار اول: وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور

یکی از شرایط اعمال صلاحیت جهانی این است که جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده واقع شده باشد. با توجه به این شرط می‌توان گفت که وقوع جرم

۱. همان، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۹.

در خارج از قلمرو حاکمیت اعمال کننده صلاحیت، می‌تواند به دو صورت باشد: اول اینکه جرم در دریای آزاد یا در جایی که در قلمرو حاکمیت هیچ کشوری نیست، اتفاق افتاده باشد. دوم اینکه اگرچه جرم در قلمرو حاکمیت کشورهای دیگر اتفاق افتاده، اما دولت اعمال کننده صلاحیت یعنی دولت محل دستگیری مجرم، طبق تعهدات بین‌المللی حق اعمال صلاحیت جهانی داشته باشد.

### گفتار دوم: شرط دستگیری متهم

شرط دوم اعمال صلاحیت جهانی وجود مجرم در کشور محل دستگیری است. به دلیل وجود چنین شرطی به کشور محل دستگیری اجازه داده شده است که رسیدگی کند. در خصوص دستگیری متهم بین حقوقدانان اختلاف است به این صورت که برخی می‌گویند حضور متهم در کشور محل دستگیری باید از روی اراده و اختیار باشد. برخی دیگر معتقدند که لازم نیست از روی اختیار باشد که استنادشان به پرونده آدولف آیشمن می‌باشد.<sup>۱</sup>

گفتار سوم: وجود عهدنامه‌ای بین‌المللی مبنی بر بین‌المللی بودن عمل مجرمانه و الحاق دولت به آن عهدنامه

همان طوری که می‌دانیم بایستی در این خصوص عهدنامه بین‌المللی وجود داشته باشد و کشور محل دستگیری به آن ملحق شده باشد. در این خصوص کنوانسیون‌های نیز همانند کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون مبارزه با گروگان‌گیری ۱۹۷۹، کنوانسیون آپارتاید ۱۹۷۳.<sup>۲</sup>

### گفتار چهارم: مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، یکی از اصول مسلم حقوق جزا می‌باشد، لذا لازم است کشور محل دستگیری مجرم عمل را مجرمانه بشناسد. در غیر این صورت تعقیب و

۱. همان، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۵۳.

مجازات چنین فردی امکان‌پذیر نیست. البته در این خصوص اشکالاتی هم وجود دارد که ذکر تمام این موارد در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد.

### گفتار پنجم: عدم رسیدگی قبلی

این اصل در صورتی قابل اجرا است که رسیدگی طبق سایر اصول ممکن نباشد. در صورتی که مجرم قبلاً طبق سایر اصول مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته باشد، مجدداً طبق این اصل قابل تعقیب و مجازات نیست.<sup>۱</sup>

### مبحث دوم: اصل صلاحیت جهانی در قانون جزای افغانستان

در قانون جزای افغانستان اصل صلاحیت جهانی پیش‌بینی نشده است و این مسئله به این معنی نیست که افغانستان اصل صلاحیت جهانی که یک اصل عام و مورد قبول همه کشورها است را نپذیرفته باشد. با توجه به مدارک و شواهد که در این خصوص وجود دارد، می‌توان به صورت قطعی اظهار داشت که این اصل مورد پذیرش قرار گرفته اما متأسفانه قانون‌گذار افغانستان در قانون جزا این مسئله را در قانون پیش‌بینی نکرده است. البته کنوانسیون‌هایی در خصوص هواپیماربایی وجود دارد (کنوانسیون ۱۹۷۰ مونترال) و با توجه به اینکه برخورد با رابندگان هواپیماها همانند برخورد با دزدان دریایی، قاچاقچیان... در صلاحیت عام کشورهاست و از سویی این کنوانسیون‌ها مورد پذیرش کشور افغانستان قرار گرفته است، می‌توان گفت که این کشور صلاحیت جهانی را پذیرفته است.

به‌عنوان تأیید این موضوع می‌توان به قضیه هواپیماربایی در سال ۱۹۸۱ اشاره کرد. در بیستم ژوئیه ۱۹۸۱ اجلاس اوتاوا تشکیل شد. کنفرانس برای رسیدگی به یک موضوع خاص، یعنی ربودن یک هواپیمای خطوط هوایی پاکستان در ماه مارس همان سال بود. این اجلاس عملکرد رژیم ببرک کارمل را در افغانستان در اثنای حادثه و نیز پس از آن (اعطای پناهندگی به هواپیماربایان) محکوم کرد و آن را مخالف با تعهدات افغانستان به موجب کنوانسیون لاهه که افغانستان نیز آن را پذیرفته است، دانست. رؤسای دولت‌های گروه هفت، در اجرای اعلامیه

۱. همان، ص ۵۴.



بن، تعلیق پروازهای کشورهای خود از مبدأ افغانستان و به مقصد افغانستان را پیش‌بینی کردند؛ مگر آنکه دولت این کشور اقدامات فوری را در جهت انجام تعهدات بین‌المللی خود به انجام رساند و هم‌زمان هم از سایر کشورها خواستند که اقدامات مشابهی را انجام دهند.<sup>۱</sup>

## نتیجه

در حقوق جزایی بین‌المللی صلاحیت فراسرزمینی شامل سه اصل؛ صلاحیت شخصی، صلاحیت واقعی و صلاحیت جهانی می‌شود؛ که این اصول جنبه تکمیلی و فرعی داشته و در جهت رفع نقیصه اصل سرزمینی و جلوگیری از فرار مجرمین از محاکمه و مجازات است که تقریباً موردپذیرش همه کشورهای دنیا از جمله افغانستان قرار گرفته است.

برخلاف باور برخی که اعمال اصول صلاحیت فراسرزمینی را موجب ورود لطمه به حاکمیت و استقلال دیگر کشورها می‌دانند، باید یادآور شد که اعمال اصول صلاحیت فراسرزمینی به معنای داشتن حق ورود به قلمرو حاکمیت کشورهای دیگر نیست؛ بلکه بدین معناست که دولت‌ها به خود حق می‌دهند، هنگامی که جرمی توسط یکی از اتباع آنها یا علیه یکی از اتباع آنها یا علیه منافع حیاتی و اساسی آنها واقع شود -در صورتی که دستگیری متهم امکان‌پذیر باشد- می‌توانند صلاحیت خود را اعمال نمایند.

البته باید توجه نمود که اعمال اصول صلاحیت فراسرزمینی منوط به وجود شرایطی از قبیل مهم بودن جرم ارتكابی، عدم رسیدگی قبلی و مجرمیت متقابل است و تنها در اصل صلاحیت واقعی ممکن است این شرایط را لازم ندانست. اصل صلاحیت شخصی یکی از اقسام سه‌گانه اصول صلاحیت فراسرزمینی است، بر اساس این اصل هرگاه فردی در خارج از قلمرو کشور متبوع خود، مرتکب جرم گردد، دولت متبوع حق خواهد داشت که وی را مورد تعقیب قرار دهد. همان‌طور که ملاحظه گردید این اصل دارای دو جنبه است و قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۸ به بیان جنبه مثبت آن پرداخته است. از آنجا که ممکن است مجرم پس از ارتكاب جرم در کشور بیگانه به کشور متبوع خود فرار کند، چنان‌که اصل صلاحیت شخصی

۱. حسین میر محمدصادقی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۱۵۹.

در جنبه مثبت آن موردپذیرش نباشد، این مجرم از مجازات فرار کرده و هدف اصلی حقوق جزای بین‌الملل که جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است حاصل نمی‌گردد. بند ۱ ماده ۱۷ قانون جزای افغانستان، به جنبه منفی این اصل اشاره کرده و اشعار می‌دارد: «۱- احکام این قانون بر هر شخصی که در خارج افغانستان علیه افغان یا منفعت افغانستان مرتکب جرم گردد قابل تطبیق است...».

صلاحیت منفعل هنگامی اعمال می‌شود که دولت متبوع بزه‌دیده خواستار رسیدگی به جرم است. جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی حمایت از اتباع یک کشور به شرط عدم اجرای اصل سرزمینی می‌باشد. این اصل موردپذیرش اکثر کشورهای جهان از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، ترکیه و بلژیک قرار گرفته است.



## منابع

- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، بانک مقالات حقوقی، نشر عدالت.
- استفانی، گاستون و دیگران، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسین دادبان، انتشارات علامه طباطبایی ۱۳۷۷ش.
- اسماعیل زاده و پور ابراهیم محمد، احمد، اصل صلاحیت جهانی با رویکرد به حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی ایران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳ش.
- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی ۱۳۷۷ش.
- بوشهری، جعفر، حقوق جزای فرانسه، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰ش.
- پور بافرانی، حسن، اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران، مجله مجتمع آموزشی عالی قم، سال سوم، شماره ۹، بهار و تابستان ۸۰.
- حسین نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان ۱۳۸۳ش.
- دو وابر، دوندیو، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری مقایسه‌ای، ترجمه علی آزمایش، پلی‌کپی انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ش.
- عالیه، سمیر، قانون العقوبات (القسم العام)، چاپ مؤسسه الجامعیه للدراسات التوریه، بیروت ۱۹۹۲ م.
- عباسی، محمود، استرداد مجرمین، ج ۱، انتشارات گنج دانش، تهران، پائیز ۱۳۷۳ش.
- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد سوم، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰ش.
- گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، مترجم: سید ضیاء‌الدین نقابت، ج ۱، انتشارات ابن‌سینا، بی‌تا.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش.
- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، گنج دانش، ۱۳۷۵ش.
- \_\_\_\_\_، محدوده حقوق جزا در مکان، مجله حقوق قضایی دادگستری، شماره ۵، سال هفدهم، ۱۳۵۲ش.

- مظاهری، مسعود، محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، چ ۴، ۱۳۹۲ ش.
- مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، چ ۱۱، انتشارات وزارت امور خارجه ش ۱۳۸۳.
- میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، ۱۳۹۲ ش.
- \_\_\_\_\_، حقوق جزای بین الملل، نشر میزان، ۱۳۹۰ ش.
- ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، چ ۱، انتشارات جهاد دانشگاهی، (ماجد)، زمستان ۱۳۷۲ ش.

- Cedric, Ryngaert, Jurisdiction in International Law, Oxford, 2008.p.96. Follow this and additional works at: <http://ukcatalogue.oup.com/product/9780199544714.do>.
- Iain, Cameron, the Protective Principle of International Criminal Jurisdiction, Dartmouth Publishing Company, (1994), p.49-50. Follow this and additional works at: <http://www.amazon.co.uk/Protective-Principle-International-Criminal-Jurisdiction/dp>
- Michael, Akehurst, (1988), A Modern Introduction to International Law, 6th ed, Unwin Hyman Follow this and additional works at: <http://www.worldcat.org/title/modern-introduction-to-international-law/oclc/614860517?ht=edition&referer=di.and> Bowett, D.W., (1982), Jurisdiction: Changing Patterns of Authority over Activities and Resources, the British Year Book of International Law, Oxford. Follow this and additional works at: <http://bybil.oxfordjournals.org/content/53/1/1.full.pdf>.
- Watson, Geoffrey R., (1992), Offenders Abroad: The Case for Nationality- based Criminal Jurisdiction, Yale Journal of International Law, and Vol. 17,p.3-4. Follow this and additional works at:
- <http://scholarship.law.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1411&context=scholar>.